در تحقیق توحید فعلی

که در لمعهء شانزدهم در تصنیف فخرالدین عراقی واقع است »

الدكتور امين علي سعيد
الاستاذ المساعد في قسم الدراسات الشرقية
كلية الآداب ـ جامعة بغداد

بیشتر شعرا و ادبای کلاسیك کرد خواه از کردستان عراق یا ایران و یا ترکیه شیفته وعلاقمند زبان و ادبیات فارسی بوده وبدان زبان شعر و نثر می نوشتند علاوه بر این آ نها با زبان عربی و ترکی نیز آشنائي داشتهو علاقهء فراوانی بأنها داشتند • سبب این امر نیز دین اسلام وطرز حکومتو همسابگي ملل این سه زبان با ملت کرد بوده است •

در اثر این نزدیکی ورابطه زبان کردی از این سه زبان متأثر شده ومتقابلا بر آنها اثر گذاشته است •

شعرای کرد بیشتر با آثار فردوسی • فرخی ، ناصر خسرو ، خیام • نظامی • عطار ، مولوی ، عراقی ، سعدی ، حافظ ، جامی ، وحشی ، کلیم ، صائب ،بیدل[1] ••••الخ

آشنائی داشتند وشعر آنان را تضمین و تخمیس می کردند ، علاوه بر این نامههاو آثار خودرا به زبان فارسی می نوشتند • از این شعرا •

---

(۱) برای کسب معلومات راجع به ابن شعرا رجوع کنید به تاریخ ادبیات دکتر ذبیح الله صفا ـ وگنج سخن
دکتر ذبیح الله صفا ـ چاپ ـ تهران

شیخ احمد جزری « ۱٤۰۷ ــ ۱٤۸۱ » • شیخ معروف نودهی «۱۷۵۳ ــ ۱۸۳۸ » « هجري » • کوزدی ــ مصطفی بن محمود بگ احمد بگ صاحبقران (۱۸۰۹ م ــ ۱۸٤۹ م) مولانا خالد النقشبندی (۱۱۹۳ هـ ــ ۱۲٤٦ هـ)

محوی ــ محمد بن ملا وسمان بالخی (۱۸۳۰ م ــ ۱۹۰٤)

شیخ رضا بن شیخ عبدالرحمن طالبانی (۱۸۳۵ م ــ ۱۹۰۹ م) سالم عبدالرحمن بگ محمد بگ قره‌جهنم « ۱۸۰۰ ــ ۱۸٦٦ » • امین یمنی بن احمد افندی متولد در (۱۲٦۱) هـ حزین ــ عمادالدین ملا عثمان ملا اسماعیل (متوفی ۱۳۰۷ هجری)

پیره میرد ــ حاجی توفیق بن محمود آغا حمزه آغای مصرف (۱۸٦۷ م ــ ۱۹۵۰ م)

بیخود • ملا محمود بن مفتی حاجی ملا امین بن مفتی گه‌وره حاجی ملا احمد چاومار « ۱۲۹٦ ــ ۱۳۷٦ » هـ •

ودیگران را میتوان نام برد[۲] •

---

(۲) برای آشنان بیشتر به این دسته شعرای کرد رجوع کنید به :

۱ ــ مشاهیر الاکرد وکردستان في الدور الاسلامی الجزء الاول ۱۹٤۵ تالیف محمد امین زکي

۲ ــ میژوی ئه‌ده‌بی کوردی ــ علاءالدین سجادی چاپی دووهم ۱۹۷۱ م بغداد

۳ ــ العقیدة المرضیة ــ تالیف العلامة ــ عبدالرحمن الحسین الشهیر بالمولوی والمتخلص بالمعدوم ۳۵۲ هـ ــ مطبعة السعادة بجوار محافظة مصر

٤ ــ دواوین شعراء مذکور که مکررا در بغداد ، سلیمانیة ، اربیل ، عراق چاپ شده

۵ ــ العقد الجوهری فی شرح دیوان الشیخ الجزری تالیف ملا محمد البهی الزفنکی قامشلی .

٦ ــ الشیخ معروف النودهی البرزنجی تالیف محمد الخال بغداد ــ ۱۹۵۸

این مقاله کوتاه مربوط بتحقیق توحید فعلی در لمعة شانزدهم شیخ عراقی ، که مولانا عمادالدین عثمان العثمانی متخلص به حزین و فایق آنرا برشته تحریر کشیده اند ، حقیقت فوق را روشن می سازدو گویای این اصل است ، که شعرای کرد نه تنها به فارسی شعر می گفتند وشعر شعرای فارسی را تضمین و تخمیس می کردند ، بلکه آ نها در نثر و نوشتن مطالب فلسفی و حکمی و عرفانی نیز چیره دست بوده اند • در گذشته مقاله ای تحت عنوان « شعرای کردو ادبیات فارسی به زبان کردی » ،

در مجله دانشکده ادبیات ، دانشگاه بغداد منتشر کردم اینك موضوع‌را ادامه داده و بقیه آنرا در دسترس اساتید علاقمند بدین نوع مواضیع میگزارم •

قبل از شروع بموضوع اساسی لازمست که با سطری چند مولانا عمادالدین عثمان العثمانی[۳] ومولانا فخرالدین عراقی را معرفی نمایم •

۱ ــ ملا عثمان بن حاج اسماعیل بن ملا احمد بن ملا فاضل بن ملا حسن بن ملا میره ، اجدادش از در گزین همدان بوده و نسبش به بابا طاهر همدانی (عریان) میرسد • وی بسال ۱۲۲۱ هجری قمری در محله درگزین شهر سلیمانیه عراق چشم بدنیا گشوده است • خانواده ملا عثمان دیندار و افرادش همه صاحب علم و فضیلت بودند ووی از کوچکی راه دین و دینداری در پیش گرفته‌و در طلب علم دیدار و محافل علمای‌بزرك اکثر مناطق کرستان عراق را طی کرده و بالآخره در « تەویله اورامان » سکونت گزیده و علوم دینی و اصول تصوف وطریقت را از شیخ بزرگش « شیخ

(۳) مجلة کلیة الاداب ــ العدد ــ ۱٦ ــ ۱۹۷۳ بغداد

(٤) برای کسب معلومات بیشستر رجوع کنید به دیوان اشعار کردي‌ملاعثمان چاپ نجف اشرف سال ۱۹۷۳ م

سراج الدین »[1] « رضی الله عنه » فرا گرفته و پس از کسب اجازه تدریس از ستادش به امروی به شهر سلیمانیه[2] بر گشته و درهمان خانقاه که اکنون در سلیمانیه بنام پسر ارشدش « حاج ملا علي » مشهور اسست ، امامت و شغل تدریس را بعهده گرفته و در عین حال طبق اصول طریقت نقشبندی مشغول ارشاد بوده و شهرتش در سلیمانیه و خارج آن پراگنده شده بود تا آنجائیکه توده‌های مردم کرامات و کارهای خارق العاده بووی نسبت میدهند مولانا عمادالدین عثمان دارای تالیفاتی چند بوده و به بعض ازکتب دینی و لغوی حاشیه نوشته است ، اینك نام بعض از تالیفات وی :

۱ ــ کلیات : کلیات مولانا عمادالدین ملا عثمان که بعد ازوفاتش به امر پسر ارشدش « حاج ملا علي » از طرف یکی از مریدانش استنساخ شده، وحاوی دیوان اشعار وی به زبانهای کردی و فارسی وابیاتی چند به عربی میباشد علاوه بر این کلیات نامه‌های فارسی و عربی مولانا را نیز در برمیگیرد که نمونه ای از نثر فصیح انزمان میباشد .

۲ ــ « جوهره العرفان » که بزبان عربی برشنه تحریر در آمد است موضوع عرفانی داشته و معارف اسلامی را در برمیگیرد .

تخلص مولانا در اشعار کردیش فایق و در اکثر اشعار فارسیش « حزین » میباشد مولانا در سال ۱۳۰۷ هجری قمری بدرود حیات گفته

نسخه خطی کلیات مولانا که حاوی « شرح لمعه شانزدهم » نیز میباشد ، حاوی (۱۰۱) ورق است که « ۷۰ » صفحه اولش شعر فارسی و کردی (۱۸) صفحه بعدی حاوی نامه‌های فارسی و عربی و (۱۱) صفحه آن شامل تك بیتها ست .

---

(۱) شهر « تەویله » مرکز اورامان عراق است .

(۲) شهر سلیمانیه مرکز آستان سلیمانیه است واقع درشمال شرقی کشور عراق .

یك صفحه آن سفید و یك صفحه آن پاره شده است .

طول نسخه ۱۰٫۵ سم و عرض آن ۶٫۵ سم بوده ، روی کاغد مایل به زردی با خط خوب و مرکب سیاه نوشته شده است . اما عنوانهای کتاب با مرکب قرمز میباشد . تاریخ نوشتنش سال ۱۳۰۸ هجری قمری یعنی ، یك سال بعد از وفات مولانا میباشد . (۱)

مولانا فخرالدین عراقی :(۲)

شیخ فخرالدین ابراهیم شهریار ، همدانی (۶۱۰ ــ ۶۸۸ هجری) از عرفاو شاعران نام اور قرن هفتمست . وی در هیجده سالگی بمولتان هندوستان رفتهو چند سال بعد به عربستان و اسیای صغیر مسافرت کرده و در قونیه بمحضر شیخ صدرالدین قونیوی از پیروان محی‌الدین بن عربي صوفي بزرگ راه یافته وکتاب لمعات را در آن شنهر تحت تأثیر « فصوص الحکم » ابن عربی تألیف نموده است ، مولانا سپس بمصر و شام سفر کرده و بالاخره در شام در گذشتهو در جوار قبر محی‌الدین ابن عربی در دمشق مدفون گشته است . عراقی علاوه بر دیوان « قصائد وترکیبها وترجیعها وغزلها وتزانها ومقطعات » مثنوی کوتاهی بنام « عشاق نامه » دارد .

کتاب لمعات اورا نورالدین عبدالرحمن جامی بنام « اشعه اللمعات » شرح کرده است(۳)

---

(۱) نگار نده این سطور دیوان کردی مولانا را با تحقیق وشرح اشعارش در سال ۱۳۹۳ هجری قمری ــ ۱۹۷۳ بچاپ رسانیده ، وحالا مشغول‌تحقیق وشرح قسمت فارسی کلیانش هست

(۲) به اختصار از گنج سخن ــ دکتر ذبیح الله صفا ــ ص ۱۷۵ جلد دوم چاپ دوم انتشارات دانشگاه ۱۳۵٤ خورشیدی

(۳) جامی : نورالدین عبدالرحمن بن احمد جامی ــ ۸۱۷ هجری ــ ۸۹۸ هجری شاعرو عارف وادیب محقق بزرگ آخر عهد تیمور یست رجوع کنید به گنج سخن ص ۳۵۵

متن لمعه شانزدهم مولانا فخرالدین عراقی :[1]

یك استاذ پس پرده ظل وخیال ، چندین صور مختلف واشکال متضاد می نماید ، حرکات و سکنات واحکام وتصرفات ، همه بحکم او واوپس برده پنهان ، چون پرده براندزدوترا معلوم شودکه حقیقت آن صورو افعال چیست ، وصور وافعال اوست ، شعر :

وکل الذی شاهدته فعل واحد
بمفرده لکن بحسب الاکنه

اذا ما زال الستر لم تر غیره
ولم یبق بالاشکال اشکال ریبة

سر « ان ربك واسع المغفرة » ان اقتضا میکند که جمله کانیات ستر اوباشند

آفتابیست حضرتش که دو کون
پیش او سایه بان هم یابم

واو فاعل ، پس این سایه بان « وهم لا یشعرون » که اگر سر «والله خلقکم وما تعملون » با ایشان غمزه زدی ، لطفا وقهرا همه‌را معلوم شدی که ، بیت :

نسبت اقتدار و فعل بما
هم از آن روی بود کو ما شد

پس معلوم گشتی که :

آن را که بخود وجود نبود
خود فعل کجا تواندش بود ؟

---

(۱) کلیات شیخ فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص بعراقی ـ بکوششی نفیسی چاپ سوم ـ تهران ۱۳۳۸ ص ۳۹٤ ـ ۳۹۵

واقتدار کی تواند بود ؟ بیت :

هم أز و دان که جـان سجود کند

ابرهـــم ز آفتاب جـود کنـد

اصل فعل یکیست الا آنست که در هر محلی رنگی و دیگر نماید و در هر جایی نامی دیگر باشد ، « یسقی بماء واحد ونفضل بعضها علی بعض في الاکـل ».

مولانا عمادالدین :

در تحقیق توحید فعلی که در لمعه شانزدهم در تصنیف فخرالدین عراقی واقع است بد ینطور انشا فرموده است قدس الله سرها .

بسم الله الرحمن الرحیم

نفس مبارك حضرت مصنف قدس الله سره درین لمعه توحیـــد فعلی بمذهب متکلمین وصوفیه قدس الله اسرارهم تطبیق وتحقیق فرموده بدین وجه که اهل ظاهر ممکنات را ذاتا وصفة وفعلا بی ماده وبی مده محدث وبی تأثیر خوانده اند لا مؤثر في الوجود الا الله واصل همه عدم محض دانسته اند وبدو راجع میشوند لکن درین عالم شهادت وجود ات مســـتقله وتأثیرات صوریة دارند ومع ذلك در اصل وجود وحقیقت تأثیر محتاجند همچنانکـه مسبوق بعدم هستند ملحق بعدم خواهند شد واهل باطن بدیدشهود وعیان یافته اند که اصل ممکنات هم هیچست انچه در ظاهر نمایان است محض خیالست وجود حق ذات حقست وپس وجودات ممکنات پیش ایشان بمنزله وجود زائد در چشم احول است وازین تقریر معلومست که توحید فعلـی متفق علیه است نزد فریقین بلکه محققین حکما باین قول مقر ومعترفند لکن از تحریر مصنف درین لمعه اشارت میرود که حضرات صوفیه ــ قدس اللـــه اسرارهم . چنانکه در افعال توحید قرار داد فرموده اند وز صفت ودر ذات تقریرهم نموده‌اند

فمعنى قولنا لااله الا الله بناء على نظر شهودهم لا موجود الا اللـــه وهو المشار اليه لهم من اقرارهم بالنظر لعالم الشهاده بان لا معبود الا الله ودر كتب معتمده ايشان مسطور است كه اين معنى بر ارباب بصيرت مكشوفست وطريق ادراك ان بر غير ايشان مسدود ودر آن بتقيد دم زدن ممنوعســت والله الهادى لسبيل الرشاد

الفقير عثمان العثمانى